



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۲۷

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۰۹ - سوم شهر محرم ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه  
داخله ۱۰ تومان  
خارجه ۲۰ تومان  
نك شماره: يكقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه یازدهم خرداد ماه ۱۳۰۹ هـ (سوم محرم ۱۳۴۹)

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) معرفی معاون وزارت اقتصاد ملی و تقاضای طرح لایحه
- (۳) تصویب ۳ فقره مرخصی
- (۴) طرح و تصویب لایحه استخدام متخصص شبیه
- (۵) طرح و تصویب لایحه اعتبار نگاهداری راه آهن
- (۶) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس سه شنبه ۶ خرداد ماه را آقای موید احمدی (مثنی) قرائت نمودند

(نایبندگان - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

[ ۲ - معرفی معاون وزارت اقتصاد ملی و تقاضای

طرح لایحه استخدام مسیو واهر نکاهف ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - قبل از دستور

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - قبل از دستور

این مذاکرات مشروح یکصد و بیست و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : حدیری - نوبخت - امیر عامری  
 عدل - کاشانی - لرستانی - عراقی - صادقی - اورنگ - تیمور تاش  
 غائبین بی اجازه - آقایان : عبدالحسین خان دیبا - میرزا حسنخان وثوق - بوشهری - شریعت زاده - دکتر امیر اعلم - اعظم زنگنه  
 سید سوزاری - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج - آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقاملک  
 بر آمده بی اجازه - آقای آقایان

وزیر امور خارجه و کفیل وزارت اقتصاد ملی (آقای فروغی) ...  
 ضمناً اجازه می خواهم از نمایندگان محترم که آقای بیات را  
 به معاونت وزارت اقتصاد ملی معرفی بکنم (صحیح است)  
 و همچنین تقاضا میکنم اگر موافقت میفرمائید چنانکه  
 چند روز پیش از این عرض کردم لایحه استخدام متخصص  
 رنگ رزی را امروز جزو دستور قرار دهند خیلی متشکرمی شوم  
 جمعی از نمایندگان - دستور

[۳- تصویب سه فقره مرخصی]

رئیس - چند فقره تقاضای مرخصی از کمیسیون  
 عریض رسیده است قرائت میشود :

خبر مرخصی آقای بیات

آقای بیات نماینده محترم بواسطه مسافرت تقاضای  
 ۱۲ روز مرخصی از ۱۴ اردی بهشت نموده و پنجاه تومان  
 از مقرری مدت مزبور را برای تعمیر مقبره خیام تخصیص داده اند  
 کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم

رئیس - مخالفی نیست ؟

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده چون يك مقداری را تخصیص  
 به يك امر خیری داده اند موافقت میکنم و از مخالفت  
 با آن صرف نظر میکنم و امیدوارم دیگران هم همین

رویه را تأسی کنند  
 رئیس - موافقین با مرخصی آقای بیات قیام فرمایند  
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر دیگر قرائت میشود :  
خبر مرخصی آقای حسنعلی میرزا دولتشاهی

آقای حسنعلی میرزا دولتشاهی نمایندنده محترم نظر  
 به تقاضای اهالی گلمپایگان و لزوم مسافرت برای رسیدگی  
 بامور محلی تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند  
 کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - بالاخره آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مرفوعه دیدم که اهالی گلمپایگان  
 تقاضا کرده بودند که ایشان تشریف ببرند بجهت اصلاح  
 آنجا و بگذردی هم اظهار تشکر کرده بودند از اینک  
 برایشان کار کرده بودند اگر ایشان تشریف ببرند آنجا  
 و يك رضایتی بیايد تلکرافتی از اهالی آنجا نباید که  
 ایشان اقداماتی کرده اند مخالفم ولي امیدوارم که  
 تلکراف رضایتی از اقدامات ایشان برسد .

رئیس - آقای زوار .

زوار - درست توجه نفرمودند آقا مخالفت غربی فرمودند  
 بنده همیشه نظریات آقا را قابل تقدیر و تقدیس  
 میدادم در این جور مخالفت ها ولی این دفعه بی  
 فرمودند اهالی محل تقاضا کرده اند که بررند و بیاورند  
 رسیدگی کنند و در این موقع چطور میتواند که  
 نماینده محلی برود و از جیبش خرج کند و در آنجا  
 بامورات محلی رسیدگی کند مطابق ماده صد و بیست  
 نظامنامه کمیسیون عریض تشخیص داده است که

در بابان جواب بیانات (قبل از دستور) آقای آقاسید یعقوب بیانات فوق را اظهار نمودند

وجه است و این خبر تقدیم شده است .

رئیس - موافقین با مرخصی آقای دولتشاهی قیام فرمایند  
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر مرخصی آقای فتوحی  
 این میشود :

مرخصی آقای فتوحی

آقای فتوحی نماینده محترم برای رسیدگی بامور محلی  
 نمای دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند  
 کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم  
 میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض بنده این بود که آقای فتوحی  
 بخواهد مرخصی خواسته اند بدون اینکه مبلغی از آنرا  
 تخصیص به امر خیری بدهند هر چند جواب داده خواهد  
 بود که این مرخصی بجهت امورات محلی است انشاءالله  
 این ترتیب است ولی خوب بود که در همین مجلس يك  
 مداری از حقوق این مدت را تخصیص به امورات  
 خیریه میدادند که بنده هم موافقت کنم .

رئیس - آقای فرشی

فرشی - تصور میکنم در جلسه قبل هم توضیح دادم  
 بعضی از آقایان نمایندگان آذربایجان که مرخصی  
 خواهند برای داد رسی زلزله زدگان میروند و علاوه  
 بر آن آقای فتوحی هم صدو پنجاه تومان از حقوق خودشان  
 را زلزله زده گان داده اند و باز هم غیر از این داده اند  
 این میکند که آقا در این موقع مخالفتشان را پس بگیرند  
 راست .

فیروز آبادی - وقتی که این تک ها را کرده  
 بنده مخالفتی ندارم .

رئیس - موافقین با مرخصی آقای فتوحی قیام فرمایند  
 طلب قیام نمودند (تصویب شد)

[۴ طرح و تصویب لایحه استخدام متخصص شیمی]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع با استخدام مسیو  
 واهر تکامف قرائت میشود :

خبر از کمیسیون بودجه به مجلس شورای ملی  
 لایحه نمره ۴۶۴۵ دولت راجع با استخدام مسیو امیل  
 واهر تکامف متخصص شیمیست با حضور نمایندگان دولت  
 در کمیسیون بودجه مطرح و مورد مطالعه واقع گردیده  
 با توضیحاتی که از طرف نمایندگان دولت اظهار شد  
 کمیسیون با استخدام متخصص مزبور بسمت شیمیست اداره  
 گمرکات و تربیت شاگردان و معلمی در شعبه رنگرزی  
 مؤسسه قالی بسافی موافقت و راپورت خود را برای  
 تصویب مجلس شورای ملی بشرح ذیل تقدیم می دارد .

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اجازه  
 میدهد مسیو امیل واهر تکامف را بسمت شیمیست اداره  
 گمرکات و برای تربیت شاگردان متخصص و کار کردن در  
 شعبه رنگرزی مؤسسه قالی برای مدت دو سال از تاریخ  
 تصویب این قانون استخدام نماید

ماده دوم - حداکثر حقوق سالیانه شیمیست مزبور  
 چهار هزار و هشتصد تومان است که از محل بودجه اداره  
 گمرکات پرداخته خواهد شد

ماده سوم - سایر شرایط استخدام مسیو واهر تکامف  
 عیناً مطابق کسرات سایر مستخدمین بلژیکی گمرکات  
 خواهد بود که بموجب قانون ۲۴ خرداد ۱۳۰۴ معین  
 گردیده است

رئیس - مذاکره در کلیات است . آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از این جا تعجب میکنم که  
 سالها است ما در مدارسمان یا اشخاصی که میروند در  
 خارجه در علم شیمی و فیزیک کار میکنند و زحمت میکشند  
 معلوم میشود حالا که ما متخصص نداریم هیچ عالم شیمیست  
 نداریم اگر داشتیم از خارج ما نمیرفتمین متخصص بیاوریم  
 که در سابق شنیدیم ماهی دوست تومان بوده است و

این دفعه ماهی چهار صد و کسری تومان شده است اولاً تعجب میکنم که چرا ما نباید متخصص داشته باشیم اگر هم داریم چه شده است که این شخصی را که کمتر از اینها در سابق استخدام کرده بودیم - حالا دو مقابل تقریباً شده است در این جا بنده از این نظریات مخالفم و امیدوارم که از داخله خودمان اقل از این اشخاصی که میفرستند به اروپا و بودجه تحصیلاتشان از مجلس میگذرد با آن بودجه های هنگفت يك تحصیلاتی کرده باشند که لااقل يك متخصص شیمیست داشته باشیم که حالا مجبور نشویم برویم از خارج بیاوریم در صورتیکه این اشخاصی که از خارج آمده اند ( بنده هیچوقت ببخود اظهار قدر دانی نمیکنم ) غالباً اشخاصی که آمده اند بفتح مملکت ما قدم نزده اند و به نفع خودشان قدم زده اند.

وزیر امور خارجه ( آقای فروغی ) راست است که مامدنی است جوانهای خودمان را میفرستیم بخارجه و تحصیل میکنند اما این مدتی را که میفرمایند سالها است میگذرد سه سال چهار سال است و یک نفر متخصص تربیت شدنش بسه سال و چهار سال نمیشود ( فیروز آبادی - دارالفنون آقا ) دارالفنون يك دیگری است بنده ممکن است تاریخ دارالفنون را اینجا عرض کنم برایشان تا به پیشید چی است و بعلاوه يك عده متخصص خودمان داریم . اتفاقاً در شیمی کمتر جوانهای ایرانی رفته اند و خودشان را داخل این خط کرده اند طبیب رفته است طب خوانده اند حقوق خوانده اند حالا این اوقات مهندسین میروند تحصیل میکنند اما شیمی خیلی کم رفته اند این یکی و ثانیاً این را عرض کنم به آقا که هر قدر متخصص از خود ما این اوقات تحصیل میکنند در اروپا برگردند باز هم از حوائج ما کم نخواهد شد و ما همیشه تا يك مدتی محتاج خواهیم بود باینکه متخصص از خارجه هم بیاوریم بعلاوه اینهایی که اینجا داریم البته در کار هستند و خواهند بود و باز محتاج هستیم و دیگر اینکه این شخصی که فرمودند این شخصی است که همه آقایان آقایانی که

در این مسائل وارد بوده اند اطلاع دارند که يك است که چند سال است در اینجا بوده است و داخل خدمت بوده است و خدمت هم کرده است و از روی تجربه که ما باحوال این داریم محتاج میدانیم هنر خود مان را باینکه يك مدت دیگری هم در اینجا بماند و در دو قسمت خدمت بکنند هم در اداره گمرک خدمت میکنند و سابقاً هم میکردند است مدتی و حالا هم ببخود کثرت او را تجدید کنیم که در مؤسسه قالی که آنجا ما میخواهیم نسبت برنگ قالی يك مطالعاتی بکنیم و يك اقدامی بکنیم خدمت بکنند چنانکه سابقاً هم کردم نقشه رنگ قالی یکی از مسائل مهم ترقی و ترقی قالی است يك اقدامی کرده باشیم که بوجود این آدم بیرون آن محتاج هستیم البته این را تصدیق میفرمایند که در ایران همیشه اینطور بوده ولی امروز بخصوص يك نیست که بجهت بخواهد يك اشخاصی را از خارجه استخوان کند و يك پول مفتی به او بدهد امروز آن جور نیست و جود این متخصص محتاج هستیم . امید وارم با این عمل که کردم تصدیق بفرمایند که بوجود این آدم محتاج و زودتر تصویب بفرمایند .

رئیس - آقای کازرونی مخالفید ؟

کازرونی - بلی

رئیس - بفرمائید .

کازرونی - بنده اصولاً بااستخدام هر متخصصی خصوصاً بااستخدام این آدم هم مخالفتی ندارم چیزی باعث شد که بنده اسباب تصدیق آقایان را فراهم کنم یکی دو مطلب است . در اینجا نمیشود میکند که استخدام این آدم را ما برای دوام لازم یکی بجهت گمرک و دیگری بجهت مؤسسه رنگ قالی ( احتشام زاده - و مدرسه ) بنده فکر که میکنم بینم این آدم البته بنا براین باید در مرکز باشد گمرک شیمیستی که لازم دارد بایستی در تقاطعی باشد

بنا براین بافته و ساخته میشود و با خارج میشود بایستی در بنادر بندر سرحداث بایستی در نقاطیکه قالی بافته میشود که در آنجا تشخیص بدهد که نقشه اش چیست و رنگش ثابت است یا نیست بکن يك نفر شیمیست بودنش در مرکز برای چیست بنده هم وقت و هر روزه بتواند از مرکز بنقاط لازمه برود و تشخیص بدهد که آیا این رنگ رنگ ثابت است ثابت البته این غیر عملی است یا این که قالیها را از مرکز عمل یعنی از سرحداث یا مراکز قالی بافته بشود بطهران باید بیاورند و از نظر آقا بگذرانند و این عملی نیست که آیا ثابت است یا ثابت نیست این هم که عمل است البته آقایان خوب مسبقند که قضیه تشخیص رنگ ثابت از غیر ثابت در گمرکات فوق العاده اسباب تجارت و صادر کننده و ارباب صنعت قالی شده است و دریکه نخبار متفق الرأی میگفتند ما حاضریم برای قالی صادره از ایران صدی دوازده تأدیه کنیم اما بنابر این مشکلاتی که در گمرک تحت تشخیص رنگ قالی از غیر ثابت ایجاد میشود نشده باشیم و راست يك کلانی برای آنها ایجاد میشود که قوه نخلش را دارند اولاً يك تبعیضاتی میشود در صورتی که يك مال از يك کارخانه با يك طرح بعمل آمده و حواله دو سه تجارته فرستاده میشود بیکش با اسم اینکه رنگش است بدون تعرض رد میشود و بیکش که در دست دیگر بود با اسم اینکه این رنگ ثابت نیست و رنگ بخلوط دارد صدی دوازده از او مطالبه میکردند بنابر بدبخت چه کار کند اصل قالی مال يك صاحب مال يك کارخانه بود چون دست دو نفر بود دو نفر با او میکردند به گمرک شکایت میشد میگفتند را بفرست این جا تا این نخ را بدهیم به شیمیست بینیم و تجزیه کنیم که جوهر دارد یا نه این هم که عملی بود بالاخره در هر صورت بنده عرض میکنم آدم برای این موضوع گمان نمیکنم وجودش مفید و اما در خصوص مؤسسه رنگ رزی برای قالی تصور میکنم قالی ما نفاستش و امتیازش بر سایر

قالیها از حیث رنگ از این جهت است که رنگ علفی باشد رنگ طبیعی باشد که خود ایرانی تهیه کنند اما بارنگهای غیر طبیعی که این شخص متخصص درش تخصص دارد و تعلیم میدهد برای قالی چندان مفید نیست و بنده این عرض را که میکنم از روی هوا و از خود درآر نیست قالی در صورتی رنگش خوب است چنانکه عرض کردم که رنگ علفی باشد و بنده تصور میکنم چنانکه الان خدمت حضرت اشرف وزیر محترم اقتصاد ملی عرض کردم که هنوز يك متخصصینی در رنگرزی در ایران در نقاط مختلفه وجود دارند مخصوصاً بنده خودم متصدی و مباشر بودم سالی هزار ها طاقه چهلواری و سایر پارچه رنگرزی ثابت مختلف علفی میشد برای قدک و چیزهای دیگر که از ایران خارج میشد و آنها هنوز هم با خودشان زنده هستند یا نوهاشان هستند که رنگهای فوق العاده ثابت فوق العاده خوب میتوانند تهیه کنند که این رنگها برای قالی مفید است برای رنگهای غیر شیمی در آذربایجان و سایر نقاط اشخاصی هستند که میتوانند رنگ طبیعی تهیه کنند و چنانکه وعده دادند و در نظر دارند البته از آنها هم استفاده خواهند کرد روی این دو نظر و این دو مقصودی که در نظر گرفته اند این آدم را بنده فکر میکنم که برای هیچکدام اینها محل احتیاج نیست و چندان ازومی ندارد اما اصولاً یک نفر شیمیست بیاوریم و مردم را یعنی شاگردان را تربیت بکنند بطرز رنگرزی جدید بنده موافقم اما در این دو قسمت بنده لازم بود این توضیحات را بدهم .

مخبر کمیسیون بودجه ( آقای یاسائی ) - فرمایشاتی که آقای کازرونی فرمودند در قسمت اول راجع بعملیاتی بود که این متخصص در اداره گمرک خواهد کرد نظریاتتان اصولاً صحیح است باین جهت با طرز بیانی که خودتان کردید و فکری که خودتان کردید ما اگر بخواهیم ما مورینی بیاوریم برای گمرک بکعبه زبادی متخصص لازم است برای هر گمرکی بکنفر لازم است و محلهای گمرکات را باید در نظر گرفت و يك متخصص آورد برای تشخیص



رنگ یا بآن فکر دیگر شما اصلاً دولت نظر کند از این بیزها و این نظارت‌ها البته تصدیق میفرمائید بـ شکایتهایی که میشود با راپرتهایی که از مأمورین خارجه میرسد وضعیت قالی ما از حیث رواج و بنکس است راجع بوضعیت کنونی بالاخره دولت ناچار است که بک عملیات و بک اقداماتی بکند که بک بهبودی در وضعیت ایجاد قالی احداث شود چه از حیث رنگ و چه از حیث نقشه چه از حیث کار و یکی از طرفش این است که بک نفری باشد که اولاً رنگهایی که وارد ایران میشود و بمصرف قالی میرسد اینها را تشخیص بدهد که این رنگها ثابت است یا نیست تصدیق میفرمائید که اگر این متخصص را ما بخواهیم مأمور کنیم فرضاً به گمرکات اطراف کرمانشاه که فقط رنگهایی که آنجا وارد میشود رسیدگی بکند تصدیق میکنید که عملی نیست برای این که از سایر جاها باز میماند پس بهتر این است که در مرکز باشد و آن چیزهایی که مورد نظر میشود و مورد اختلاف میشود و مأمورین گمرک باید به بینند اگر اختلاف حاصل کردند آن را بطهران میفرستند و او تشخیص میدهد و این راه دیگری ندارد مگر اینکه شما سی چهل نفر متخصص شیمیست بیاورید و در تمام گمرکات بک نفر بگذارید که از نقطه نظر مراجعه مردم سهلتر باشد ( افسر - صد و شصت نفر میخواهد ) حالا بلی آن نقاط کوچک را هم بخواهیم حساب کنیم صد و شصت نفر میشود . اما در قسمت مدرسه که فرمودید که بک مدرسه عالی کاملی برای رنگ رزی دولت تاسیس کرده و بک معلمین عالی مقامی را برای اینکار استخدام کند و این هم از اشخاص و یکی از آن معلمین عالی مقام باشد که برای این مدرسه استخدام شود نظر این نیست عجله برای نمونه و برای اینکه بک عده شاگردان بک چیزهای مقدماتی اولاً یاد بگیرند در اینجا در تحت تعلیماتی قرار گرفته اند و البته شاگردانی که از این مدارس بیرون میآیند متخصص شیمی و رنگ شناسی و نیز رنگ نخواهند شد آنطور که شما در نظر دارید با اعتباری که برای حقوق این

منظور است با این که دوشغل را رجوع میکنند بک آدم و دو گونه انجام وظیفه از این شخص خواهد بود رو بهمرفته اگر حساب کنید بیش از این از این شخص نمیتوان توقع داشت حالا اگر شما نظر دارید این است که بک تعلیمات خیلی مفصلی در بک مدرسه مختصری بشود و آن تشکیلاتش فراهم شود عجله شایع دولت صلاح ندانسته و موجبانش فراهم نیست امیدوارم در آتیه موجبانش شاید بیشتر فراهم شود و این آدمی هم بوده است و چیزی نیست که تازه استفاده کردیم و از نقطه نظر طرز کار آنطوریکه نمایندگان دولت میگفتند خیلی قابل توجه است و شاید جاهای دیگر میخواستند این آدم را و ممکن است او را ببرند و دولت مقتنم شمرده از نقطه نظر اینکه بوده است هم در قسم گمرک هم در قسمت شعبه آن مدرسه و بک کارهایی که است حالا هم دولت موافق است با حقوقی که بنده خیلی مناسب است او را استخدام کنیم و خوب است شما هم موافقت کنید و نظریات خودتان را بگذارید برای آتیه

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - فراموش کرده بودم که کمیسیون خارجه ملیت متخصص شیمت را تصدیق کرده است و این قرائت نکردند آقایانیکه موافق با ورود در شور موافقت قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود ماده اول - مجلس شورای ملی بدوالت اجازت میدهد مسیو امیل واهر تکامف را بسمت شیمیست گمرکات و برای تربیت شاگردان متخصص بکار کردن شعبه رنگرزی مؤسسه قالی برای مدت درسال از تصویب این قانون استخدام نماید .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده موقعی که این لایحه در کمیسیون مطرح بود بک اطلاعاتی داشتم آنجا بعرض آقایان رساندم نامشأنه آقا تشریف نداشتند که لازم شد اینجا عرض کنم برای آنکه قضیه تجدید نشود بک پیش بینی هائی بشود . مسیو واهر تکامف همینطور که آقایان فرمودید بک آدم مطالعه است و بهتر از این شخص هم کسی را ندارم و صحیح است ولی بطوریکه بنده اطلاع دارم بطوریکه بنده نماس پیدا کرده بودم راجع باین قضیه سابقاً که ایشان همین وظیفه را داشتند در مدرسه رنگرزی موظف بودند که آنجا تدریس بکنند تعلیم بدهند بطوریکه باید و باید این وظیفه را انجام میدادند و غالباً در ساعات برون حاضر نمیشدند و باین جهت مدرسه رنگ رزی که بنا باینک میل و رغبتی بک جمعی بآنجا مراجعه میکردند بک شاگردانی پیدا کرد برای غیبتهای متواتری که سیو واهر تکامف کرد از حضور در سر درس شاگرد ها بفرق شدند و رفتند بی کارشان چونکه ایشان دوکار دارند هم در اداره گمرک موظف بود در آنجا بک استخدام باری داشت و از آن طرف هم در مدرسه موظف بود غالباً ترجیح میداد که اوقات کارش را و ساعات درسش در قسمت کار های گمرک تمام کرده باشد و غالباً شاگرد ها رفتند برای ساعتی که مقرر و معین بود برای فرا تون تعلیم و مسیو واهر تکامف نبود و مراجعت میکردند بالاخره ایشان تلفن میکردند و بعد از چندین مرتبه گفتند من بک گرفتارهای اداری دارم که امروز را نمیتوان بیایم و بالاخره باشد جلسه دیگر نتیجه این شد مدرسه رنگرزی با اینکه بطوریکه عرض کردم با آن بک نامی که در ابتدای تشکیل و تاسیس این مدرسه بک مردم بود در نتیجه این اهماال بواش بواش از بین رفت شاگرد که از روز اول بک عده زیادی بود اخیراً بده بود به پنج شش نفر و آن پنج شش نفر هم حاضر شدند بالاخره دولت مجبور شد آن مدرسه را منحل کند خیره آقای بیات که سابقه در این قضیه دارند بهتر از

جریان مسبوقتند و بنده این قضایا را در کمیسیون بودجه عرض کردم و لازم میدانم که در این قسمت واقعا وزارت اقتصاد ملی بک تصمیماتی بگیرد که این جریان دو مرتبه تجدید نشود یعنی آن ساعتی که برای درس ایشان معین میشود آن ساعات را مکلفاً ایشان حاضر شوند و اگر حاضر نشد بیهان نسبت از مقرری روزانه اش کسر کنند بنده در این باب بک پیشنهادهای تهیه کرده بودم ولی خوب است که این منظور در نظامنامه هائی که نوشته خواهد شد و بکنترات ایشان ضمیمه میشود در آنچه قید شود و حالا بطور تذکر عرض کردم که این سابقه در آنجا بوده و این را رعایت فرمایند که تجدید نشود

معاون وزارت اقتصاد ملی - ( آقای بیات ) البته همانطوری که نماینده محترم در اینجا فرمودند بک نواقصی این مدرسه رنگرزی داشته که ما نمیتوانیم انکار کنیم ( بعضی از نمایندگان - بلند تر ) عرض کردم مدرسه رنگرزی در سابق بک نواقصی داشت که البته در آتیه امیدواریم آن نواقص را نداشته باشد ولی باستی قدر دانی بکنیم از مسیو واهر تکامف که بک شاگردان خوبی با همین نواقص تربیت کرده است بنده معرفی میکنم شاگردانی که در عراق هستند پیش کمیتهای خارجه که دوست تومان حقوق میکیرند و پیش مؤسسات خارجه در رنگرزی کار میکنند البته ممکن است بک نواقص جزئی هم در کار باشد ولی این دلیل نمیشود که ما بگوئیم این آدم خدمت نکرده یا بدکار کرده البته هم قدر دانی میکنیم وهم سعی میکنیم در آتیه اگر بک نواقصی باشد رفع شود و برای معلمی اینجا دوسه نفر از شاگردان خیلی خوب مدرسه سابق رنگرزی را که تربیت کرده بودند ومدتی هم در کارخانهجات مختلفه اروپائی کار کرده اند آنها را در نظر گرفته اند که هم بتوانند مسیو واهر تکامف بکارهای گمرکی خودش برسد هم باین قسمت بعضی از نمایندگان - کافی است

ملک مدنی - مخالف

رئیس - فرمائید

ملک مدنی - عرض کنم بنده در اصل این لایحه عرضی ندارم يك قسمت از نظریات بنده را آقای اعتبار گفتند که در کمیسیون بودجه سابق که بنده هم عضویت داشتم این مذاکرات شد ولی يك نظر بانی داشتم که چون آقای وزیر اقتصاد تشریف دارند می خواستم بعرضشان برسانم ما انتظار داشتیم که در اینموقع که يك لایحه برای کنترلات يك شخص متخصص برای رنگریز قالی بمجلس از طرف حضرتعالی تقدیم میشود يك لایحه جامع و مفیدی باشد که همان لایحه نباشد که سابق تهیه شده زیرا مسئله رنگریز يك قضیه ایست که تأثیر عمده در قسمت فرش بافی دارد و محاسنش هم بعقیده بنده پیش همه روشن است و یکی از قدمهایی که بعقیده بنده باید وزارت اقتصاد ملی بردارد که عملی باشد و از جنبه حرف نجاوز کند این است که توجه بکند این مسئله فرشهای جوهری اساساً میدل شود بفرشهای رنگ ثابت و این هم پیشرفت نمیکند مگر اینکه دولت در يك تقاطی که مرکز قالی بافی است مثل خراسان ، کرمان با عراق و ملایر و آن قسمت غرب دولت خودش يك تأسیساتی داشته باشد یعنی يك شاگردانی که از همین مدرسه که آقای بیات اظهار کردند بیرون می آیند با مخارج دولت بروند و آن جا عملاً بآن صباغهای محلی این تعلیمات علمی و عملی را نشان داده باشند در این موضوع مخصوصاً از روزی که تأسیس وزارت اقتصاد شده است چند فقره مراسلات به بنده رسیده بود که در این مسئله که متوجه شده است و البته این اقدامات و مذاکرات هم برای این است که صادرات مملکت ما که يك قسمت مهمش فرش است يك سروصورت صحیحی پیدا کرده باشد و سر و صورت صحیح پیدا کردنش هم منوط باین است که فرشی که زرعی سه تومان و چهار تومان ارزش استفاده میشود يك وقت و يك کار را میبرد و فرشی هم که زرعی بیست تومان سی تومان ارزش استفاده

میشود همان وقت و همان کار است این در نتیجه عملی است که در مسئله رنگ و بافت میشود. الان اگر وقت بفرمائید همین اظهاری که آقای معاون فرمودند شاگردانی که از مدرسه رنگریز مرکز بیرون می آیند رفته اند در کپنهای های خارج مستخدم شده اند و کمپانیهای خارج از آنها استفاده میکنند مخصوصاً در قسمت عراق که خودشان اطلاع دارند در ملایر هم کمپانیهای خارجه هست و آنچه فرش خوب هست مال کمپانیهای خارج هست زیرا هم فرشی که خوب است آنها خودشان دستور میدهند و مراقبت می کنند که فرش خوب در بیاید و استفاده خودشان می کنند و آنچه فرش بد جوهری است مال سایر طبقات تجار است که اینها قوه اداره ندارند و استفاده ندارند نمی توانند استفاده کنند ما باید تصدیق کنیم که تجار مملکت ما نمی توانند اینطور مؤسسات خودشان بیایند و يك شرکی تشکیل بدهند و يك استفاده کرده باشند این از وظایف دولتی است که امروزه خنثی شده است اقتصاد مملکت را يك سر و سورتی بد یکی از کارهای مهمش همین موضوع است و الا این مدرسه همان مدرسه ایست که سابقاً هم تشکیل شده بود و حضرتعالی هم اگر بخاطر داشته باشید مکرراً این جا مذاکره شد بنده مقصودم این است که مدرسه اگر می خواهید تأسیس کنید يك مدرسه اساسی تأسیس کنید که ولایات هم ارزش استفاده کرده باشند و الا این شخصاً اگر نخواهد هم در قسمت گهری کند و هم نظر در قسمت مدرسه داشته باشد مگر شخص در روز چند ساعت وقت دارد که بتواند بمدرسه برسد و تدریس کند و هم بقسمت های گهری بنده معتقدم که يك لایحه بیاورند دو نفر دیگر هم بخوبی کنترلات کنند بیاورند و این قدم برجسته است در این مرتبه که وزارت اقتصاد تأسیس شده است بردارند و همه بولایات هم استفاده بدهند برای اینکه نتیجه نماند که شما بیایید در این مدرسه شاگرد بیاورید و بعد بکند بعد برود مستخدم کمپانیهای خارج بشود این مفید بحال مملکت و اقتصادمانیست و ذره هم در فر

رئیس - فرمائید

بانی ما بودی بیدا نمیشود. چه دلیل دارد فرش خراسان که سابق زرعی پنج تومان شش تومان بود حالا زرعی بیست تومان سی تومان فروش می رود؟ برای این است که يك نفر مخصوص در آن جا کارخانه دارد رنگ زرعی علمی تهیه کرده و استفاده میبرد ولی در قسمت های دیگر که سالهای سال است فرش بافی دارد هیچ ترقی نکرده اند و بهمان حال باقی مانده اند. برای اینجا است که دولت توجهی نکرده است این بود که بنده می خواستم مخصوصاً این عقیده و نظریاتم را بعرضتان برسانم و البته با آن حسن نیت آقای وزیر اقتصاد ملی هست تمام این اعمال و ارزوهای ما البته بنوبه خودش انجام میشود و رنگ - صحیح است ) و اینها از نقطه نظر تذکر بود که من عرض کردم. (صحیح است)

مخبر - فرمایشات آقای ملک مدنی تماماً از نقطه نظر دولت صحیح است ولی ایشان دیگر مثل آقای فیروزآبادی باید بقدر کم حوصله و کم صبر باشند باید مجال بدهند وزارت اقتصاد ملی همان جور که در سایر قسمتهای مربوط به اقتصادیات يك مطالعات خوبی کرده است و قریب شروع بعمل خواهد کرد همین جور هم در قسمت مطالعاتی بکند و آنچه مقتضی است چه از نقطه نظر و چه از نظر سایر کارهای مربوط بان اقدام خواهد کرد این فرمایشات کاملاً صحیح است و دولت موافق است و ما هم موافقیم اقداماتی که فرمودید میشود حالا شما با يك نفر متخصص موافقت کنید لازم دانستند باز هم می آورند

رئیس - حالا کافی است مذاکرات

( گفته شد - کافی است )

رئیس - پیشنهاد آقای آفاسید یعقوب قرائت میشود: پیشنهاد میکنم در ماده اول عوض عبارت متخصص در کران در شعبه نوشته شود شائردان و کار کران در

آفاسید یعقوب - به آقای مخبر هم عرض کردم عبارت قانون که از مجلس میگذرد باید عبارت خوبی باشد شاگرد بعد متخصص میشود و متخصص فعلاً معنی ندارد این بود که بنده اصلاح عبارتی را پیشنهاد کردم نوشته شود شاگردان و کار کران در شعبه رنگریز

مخبر - بنده قبول میکنم اصلاح عبارتی است

رئیس - نظر دولت هم موافق است؟

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بل

رئیس - رای میگیریم بماده اول با این اصلاح. آقایان

موافقین قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - حد اکثر حقوق سالیانه شیمیست مزبور چهار هزار و هشتصد تومان است که از محل بودجه اداره گهرکات پرداخته خواهد شد

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب - آقای وزیر اقتصاد ملی فرمودند

معلوم است دولت امروز مخصوصاً با این مساعدت هائی که شده است بنده هم البته عقیده دارم امروز يك وزیر جدی مثل آقای ذکاء الملک که باید فوق العاده متوجه باین امور باشد و مخصوصاً وزیر اقتصاد هم هست یقیناً پول مفت نخواهد داد بنده میدانم که دولت نمیدهد ولی اینها مفت میخورند یعنی کار نمیکند پول میگیرند اینکه نمیشود و همینطور که آقای اعتبار صحبت کردند بعرض شما میرسانم اگر رجوع بکنند بصورت مجلس دوره پنجم و ششم که راجع آمد راجع همین متخصص با اینکه مانعیده داریم و احتیاج داریم با اینکه ما لازم داریم يك تجارتی بیشتری که ما داریم قالی است و در اینجا فوق العاده دولت و کارکنان دولت باید مواظبت بکنند و کار بکنند همینجوری که ما باید کار کنیم و دوایرمان زحمت می کشند و اولیای

دوات ما زحمت میکشند پول بانها که میدهند کار ازشان بگیرند اینها هم پشت شان باد سرد خورده است کار نمیکند حالا این موضوع را آقای اعتبار هم اظهار کردند آقای کارزونی هم اظهار کردند بنده هم بعرض میرسانم اینها که مدتی در ایران مانده اند اینها را بخدا بسپارید دیگری را بیاورید. چرا؟ بعلت اینکه اینها آمده اند مانده اند اینجا راه شفاعت و راه توسط و این طرف و آنطرف دوبدن را کاملاً یاد گرفته اند و ما ایرانی ها هم حقیقه دارای يك عواطفی هستیم دارای يك رحم و مروتی هستیم و نمیدانیم که در مسئله سیاست حقیقه عواطف بدر نمیخورد لکن ما عواطف داریم و این مخالف با این موضوع است. يك موضوع دیگر اینکه در دوره پنجم و ششم حقوق این شخص اینقدر نبود حالا خواستم آقای وزیر اقتصاد ملی بفرمایند در این آبا بهشان عرض شده است که چه احتیاجی بود بکسی که در دوره پنجم و ششم راپرت او آمد در مجلس مطرح شد و قبول نشد و یکدفعه با اینکه سیصد تومانش قبول نشد چهار صد تومان شد و چه نظری در اینجا دارید در کارش یا در چیزش توضیح بدهند بنده یقین دارم رأی خواهم داد و مجلس هم رأی خواهد داد لکن باو بگویم که موقع کار کردن آنها است. پیش خودشان خیال نکنند که مامشری هستیم که بیایند اینجا هر قدر بخواهند ما بدهیم و کار هم نکنند و حسابهم در کار نباشد پول ایران حساب دارد بله يك روزی (دوره های سابق) حساب نداشت اما امروز دوره پادشاه پهلوی است. يك پول هم حساب دارد ما او را هم تعقیب میکنیم و حساب خودمان را میگیریم از اینها باید حساب بگیریم اینها را باید ازشان کار گرفت.

مخبر - فوق العاده دولت مواظب است که مستخدمینی را که از خارجه استخدام میکند کار کنند و این آدم اگر وجودش لازم نبود دولت پیشنهاد استخدامش را بمجلس نمیکرد مطابق اطلاعاتی که بعضی از آقایانی که در کمیسیون بوده اند دارند در انتهای دیگر چین با جاهای دیگر در

صدد بوده اند... (یکی از نمایندگان - مصر) بی مهر او را استخدام کنند و این شاید يك آدمی است که بشود از وجودش استفاده کرد و اساساً این مستخدم اداره گمرک است. و يك استفاده کلی در مدرسه از نقطه نظر نمایان رنگرزی و اینها میشود در هر صورت با مقایسه حقوق یعنی اگر کارش را مقایسه بفرمائید با حقوقش چیز زیادی نیست. اما اینکه دولت باید از این متخصص استفاده کند و او کارش را انجام کند اینهم مثل سایر کارهای دولت است بالاخره دولت تمام تکالیفی را آنقدری که وجدان بهشان حکم میکند باید بکنند يك قسمش هم این است که شما بالاخره این جا را چسبیده اید که این کار را بکنید که مستخدمین خارجی باید انجام وظیفه کنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار قرائت میشود: شرح ذیل را بعنوان تبصره ماده ۲ پیشنهاد میکنم تبصره ۲ - وزارتین اقتصاد ملی و مالیه مکلفند ساعاتی برای تدریس مسیو واهر نکامف معین نمایند که آن ساعات تماسی با امور آذاری مشارالیه نداشته باشد در صورتی که از حضور در ساعات درس و مؤسسه خودداری نماید بهمان نسبت از تفرری مشارالیه کسر خواهد شد رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده برخلاف نظریه آقای آقا سید معتقدم که این مستخدم يك متخصص خوبی است بایستی از وجودش استفاده کرد به علاوه در این دم که در ایران بوده تجربه در این مسئله بر معلوم او افزوده و حق هم هست و همینطور هم که آقای توضیح دادند بیشتر باید توجه کنیم و واقفاً باید بدانیم که نه مثل سابق (آقا سید یعقوب من که مخالف بنده) بنده عقیده ام این است که این تبصره را در قسمت ماده

کنیم تا او بداند ما بیشتر اهمیت میدهم به قسمت مدرسه تدریس ضروری هم ندارد.

مخبر - پیشنهاد دیگری هم شده است آنرا هم امر بایست قرائت کنند

رئیس - پیشنهادی در باب حقوقش شده است از آن آقای فیروز آبادی قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم نوشته شود که اکثر حقوق سالیانه شیمست مزبور سه هزار و پانصد تومان است تا آخر

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی اظهار تأسف میکنم قالی سیصد چهار صد سال پیش ما امروزه بهترین قالی دنیا است و همچنین رنگشان بهترین رنگهای دنیا است هیچ این شیمست را هم نداشته ایم و این ها نیامده اند ما دستور بدهند و همان اطلاعاتی که خودمان داریم قالیهای بسیار خوب داشتیم که دارای بهترین قالی بود و از بنهم گذشته امروز قالی را چه خوب و بد نمی برند قالیهای خیلی خوب هم داریم که هیچ برند يك ربع از قیمتش کسر شده است همینطور چن مان کالیفرنئی کردیم نمی برند هر کاری کردیم برند حالا فشار میخواهند بیاورند بما این همسایگان طرفی چپ و راست حالا ما هم طاقت فشار داریم و مزبوریم حالا حقوق این شخص را چه قدر زیاد کردیم در صورتیکه در دوره گذشته هم با وضع خوبی بما نکرده در تربیت و تعلیم شاگردان و این سبب میشود همین را علاقه مند نخواهد کرد که خوب کار کنند و ما هر قسم و الو بد هم کار کنیم حقوق ما زیاد بود بنده باین ملاحظه مخالفم و پیشنهاد کردم که در هزار و پانصد تومان حقوقش بیشتر نباشد تا بعداً ما متخصص پیدا کنیم که بهتر از این از برای ما

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده برای اینکه مطالب طولانی نشود امساک میکنم از عرایضی که میکنم ولی نظر برادرتی که به حضرت آقای فیروز آبادی دارم لازم است عرض کنم بنده یکی از اشخاصی هستم که تاریخ این مملکت را خوب میدانم هزار سال پیش از این اوضاع مملکت ما يك طوری بود که نظیرش در هیچ جای دنیا نبود و از هر جهت بر عموم دنیا تفوق داشتیم چنانچه علم چه از حیث صنعت چه از حیث تجارت چه از حیث ادبیات (سجیح است) امروز این حال را داریم که هستیم آنها تقصیر عوسیب و واهر نکامف است؟ (خنده نمایندگن ا موسیو واهر نکامف يك آدم متخصصی است بنده شخصاً او را می شناسم خیلی هم شوق دارد و مخصوصاً هم بنده صکه موافقت با این مسئله کرده ام برای خاطر اینکه دیده ام و میدانم که او يك ذوق شخصی پیدا کرده و يك توجهی و علاقه باینکه قالی ایران ترقی کند با خود بنده در این باب هم مذاکره کرده راپرت ها داده پیشنهادها کرده که بنده آنها را دیده ام و بنده از فهم خودم هم آنها را تصدیق کرده ام. قالی ما چرا پشت رفته است؟ صنایع ما چرا تنزل کرده؟ بعضی از آنها بکلی نابود شده؟ برای خاطر اینکه دیگران يك وسایلی يك اسبابی يك حربیه هائی يك اسلحه هائی برای کارهای خودشان از هر قبیل از هر رشته که فراهم کرده اند و ما نکرده ایم ما که نکرده ایم عقب ماندهیم حالا يك دوره شده است که متوجه باین مسائل شده ایم باینکه حالا باید توپ مسلسل داشت نمیشود با تیر کزن جنگ کرد قالی ما هم همین حال را دارد و يك علم اجمالی که در رنگرزی ما داشتیم خیلی خوب است آنوقت که دیگران داشتند و این خوب بود اما حالا دیگران يك تربیانی فراهم آورده اند که آن نمیکند آن علم اجمالی و ایرانی و دهائی قدیم ما پیش برود همینطور که دیگران سعی کردند برای ترقی صنایع خودشان ما هم باید سعی کنیم حاصل کلام این است و اینهم که حالا سیصد تومان زیاد چهار صد تومان زیاد اینجا چانه زدن بعقیده بنده مناسب نیست.

فیروز آبادی - پس میگیرم .

رئیس - آقای اعتبار پیشنهادشان را تعاقب میکنند ؟ چون پیشنهادی از طرف آقای طاهری در ماده سوم رسیده است که مرجع است .

اعتبار - استدعا میکنم قرائت بفرمایند .

رئیس - در ماده سوم است . ماده سوم که حالا مطرح نیست .

اعتبار - بنده هم در ماده سوم پیشنهاد میکنم

رئیس - موافقین با ماده دوم قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد ماده سوم مطرح است

ماده ۳ - سایر شرایط استخدام مسیو واهر تکامف عیناً مطابق کثرتات سایر مستخدمین بلژیکی گمرکات خواهد بود که بموجب قانون ۲۴ خرداد ۱۳۰۴ معین گردیده است

رئیس - کسی اجازه نخواست است : پیشنهاد آقای طاهری قرائت میشود :

مقام منبع ریاست دامت عظمة

پیشنهاد میشود ماده سوم بترتیب ذیل اصلاح شود :

ماده سوم - ساعات دروس و تعلیمات متخصص مزبور را دولت معین نموده و سایر شرایط استخدام مسیو واهر تکامف عیناً مطابق کثرتات سایر مستخدمین بلژیکی گمرکات

خواهد بود که بموجب قانون ۲۴ خرداد ۱۳۰۴ معین گردیده است

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - توضیح زیادی ندارد فقط اینکه تصادمی ما بین دو تکلیف وارد نشود و دولت کثرتات نامه که با او منعقد میکند در جزء شرایط ساعات درس را هم معین کند که هم او و هم شکر بدانند این پیشنهاد شده است

مخبر - پیشنهاد آقای اعتبار با این پیشنهاد طاهری مفاداً یکی است ولی چون بترتیبی که ایشان کرده اند ارتباطش با اینها بیشتر میشود این است که این را قبول میکنم و پیشنهاد آقای اعتبار هم مفاداً قبول اعتبار - بنده هم قبول میکنم .

رئیس - نظر دولت هم موافق است ؟ ( کفایت اقتصاد ملی - بل ) موافقین با ماده سوم بترتیبی که ایشان کردند قیام فرمایند .

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . مذاکره در کلیات مخالفی نیست ؟ ( خیر ) رأی میگیریم باورقه موافقین سفید خواهند داد .

( اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۷۹ رأی و تعداد شد )

رئیس - عدده حاضر ۹۹ با اکثریت ۷۹ رأی تصویب

طرح و تصویب لایحه اعتبار برای نگاهداری راه آهن

رئیس - لایحه دولت راجع باعتباری که برای مداری راه خواسته اند مطرح میشود :

ساحت محترم مجلس شورای ملی چون خطوط راه آهنی که در خوزستان و مازندران فتح آنها مبادرت شده باید تکمیل و نگاهداری و نظارت و اداره بشود و نظر باینکه قرار داد دولت نزدیکاً در نتیجه عدم مراعات کثرتات از طرف آن هیئت مواد آن فسخ شده و لازم است خود دولت در وقت اقتضا مباشرت بانجام امور فوق بناید عملیات را در اعتبار مخصوصی ضرورت خواهد داشت

لذا عجلتاً تا اتخاذ تصمیم قطعی راجع بخطوط آهن مزبور ماده واحده ذیل را با قید دو فوریت نهاد مینماید

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ دو بیست تومان از وجوه انحصار قند و شکر را برای تکمیل و مبادرت ضروری و نگاهداری و محافظت و اداره کردن راهی خطوط آهن بین بندر شاه و بندر شاهپور که در زمان آنها شروع شده با اختیار وزارت طرق و شوارع از مبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان بابت قسط اخیر که از راه آهن جنوب را که در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ بطور علی الحساب با اختیار وزارت فوائد عامه شده بابت این دو بیست هزار تومان محسوب دارد بجزئی را که با اقتضای ضرورت و فوریت از محل مصارف فوق رسیده بابت اعتبار تصویب شده ماده واحده احتساب نماید

رئیس - فوریت مطرح است . آقای فیروز آبادی

(ند) آقای یاسائی

سائی - بنده موافقم .

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد ؟ ( خیر ) موافقین با فوریت قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده واحده مطرح است . آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در چه بابت ؟

رئیس - در ماده واحده راجع به مبلغی که دولت برای نگاهداری راه آهن خواسته است .

فیروز آبادی - بله راجع براه آهن بنده چند توضیح خواستم که انشاء الله امیدوارم در جلسه آینده وزیر طرق و شوارع تشریف فرما خواهند شد و جواب خواهند داد و نمیدانم که خط آهن یکی تعطیل شده و چیزی که ما میخواستیم از آن نفع ببریم اول ضررش شد . ما راه آهن را میخواستیم از سر استفاده بکنیم . این قدری که کشیده شده حالا لااقل باید يك نفر را بگیریم که آنرا حفظ کند بکنفر بگیریم که بگذاریم آن را دزد نبرد و ضایع نشود این استفاده اول ما از راه آهن است که يك مقداری هم باید خرجش کنیم تا بعدش نمیدانیم چه خواهد شد . بنده میخواستم يك توضیحی داده شود که غرضشان از این مخارجی که برای خط آهن میخواهند بکنند چیست غرضشان برای حفظ و نگاهداری آن است از حیث دزد و خطر و سیل و اینها با ملاحظاتی دیگری است ؟

وزیر طرق و شوارع ( آقای تقی زاده ) - در جلسه

گذشته مختصراً عرض کردم که بموجب قوانینی که سابقاً از مجلس گذشته است مادامی که سندیکا مشغول کار بود دولت برای هر تأدیبه که بسندیکا باید بکند محتاج



باجازه جدید از مجلس نبود چون يك قانون کلی بود که دولت میتواند با سندیکا برای خط آزمایش و تکمیل آن خطی هم که سابقاً خودش ساخته بود وجوه لازمه را بموجب کنتراهات بپردازد و علاوه بر این مخارج نظارت در اینکار را نیز حق داشت بدون آنکه در هر مرتبه محتاج بمرامجه بمجلس باشد تأدیه نماید مقصود از نظارت آن قسمتی بود که مراقبت داشتند در اینکه اعمال سندیکا مطابق کنتراهای جریان بیابد اداره هم باسم اداره نظارت تأسیس شده بود نظارت را همه حق داشتند بدون رجوع جدید بمجلس ادا کنند ولی در این اواخر بعضی مخارج متفرقه که شرحش را عرض میکنم پیش آمد کرد که ما از راه احتیاط خواستیم برای آن مخارج تحصیل اجازه صریح بنمائیم اگر چه باید عرض کنم که میشد مطابق يك تفسیری آنها را هم در جزو وظایف اداره نظارت آورد چون که نظارت يك کلمه مختصری است که برای اینکار گذاشته شده ولی در خود کنتراهای حقیقه نظارت شامل چند فقره کار است که تنها نظارت در اجرا نبود بلکه تحویل گرفتن و تقطیب و امور دیگر هم بود و برای نظارت نظامنامه نوشته شده بود که وظایف آن ها و این تکالیف را معین کرده بود حالا در واقع برای این که این اشخاص مشغول باشند که تحویل بگیرند یا ثبت بردارند این کار مهم در واقع جزء تکالیف نظارت بود و میشد هم که از همان وجوهی که برای نظارت تخصیص داده شده بود خرج بکنند ولی چون عملیات سندیکا تعطیل شده بود و بعضی مخارج دیگر هم پیش آمد مثل اینکه گاهی ممکن است يك جائی قسمت مختصری خراب شود یا خاکریزی لازم باشد که باید فوراً بعمل آید و همینطور برای نگاهداری و محافظت لازم بود که يك اشخاصی مراقب و مواظب انبارها باشند سابقاً خود سندیکا این کار را میکرد و برای این کارها فعلاً تصور کردیم که يك وجه جزئی ( نه البته وجوه کلی ) اعتبار بخواهیم چون اگر دولت بخواد مستقیماً مباشرت بساختمان بکند

البته چندین میلیون مخارج خواهد شد ولی حالا نیست يك وجه جزئی در اختیار وزارت طرق و شوارع باشد که اگر بعضی مخارج جزئی که خارج از تأدیه سندیکا و خارج از امور نظارت پیش بیاید چنانچه حالا پیش آمده است معطلی حاصل نشود چنانکه برای مخارج مامورین نظارت که مامورین ثبت بردار هستند علی الحساب يك مقداری لازم شده است که در قسمت جنوب قریب دوهزار و پانصد تومان درآمده دارند و در قسمت شمال هزار و پانصد تومان درم تقاضا کرده اند که علی الحساب بانها داده شود بنابراین وجهی در دسترس وزارت طرق و شوارع که مجوز قرض داشته باشد ( یعنی صریحاً و حتماً و بطور قانونی نبوده باشد ) نبود لهذا پیشنهاد شد که این صد و پنجاه هزار تومانی که موقتاً دولت در اختیار وزارت طرق و شوارع گذاشته شده بود از آن قسط اخیری که بمجلس دولت در بهمن ماه گذشته بسندیکا بابت کار در جزو پرداخته باشد و بواسطه يك پیش آمد هائی پرداخته نشد بملاوه پنجاه هزار تومان دیگر تقاضا شده که برای همین تکمیل و تعمیر خرابیهائی که پیش آید موقتاً در اختیار وزارت طرق و شوارع گذاشته شود و از آن مبلغ يك قسمت جزئی در مقام ضرورت فوری خرج شده بود لهذا خواسته شد برای اینکه قانونی داشته باشد و عمل صحیحی انجام داده مطابق قانونی تصویب این مخارج بعمل از این جهت این دو صد و پنجاه هزار تومان تقاضا شده است که اختیار وزارت طرق و شوارع یعنی در دسترس از این مبلغ صد و پنجاه هزار تومان که در اختیار وزارت طرق و شوارع بود يك مبلغ جزئی آن برای ضرورتی و فوری خرج شده است که چنانچه عرض ممکن است آنرا در تحت عنوان نظارت داخل نمود راجع به تعطیل عملیات سندیکا و تعطیل راه آهن اشاره فرمودند در جلسه گذشته هم عرض کرده بودیم لایحه هم اشاره شده است که عملیات ساختمان راه آهن

و جنوب چنانچه آقایان مسبقاً يك قسمت را بخواهند خطوط آزمایش در شمال و جنوب دولت واگذار کرده بود و اصطلاح خط آزمایش هم این بود که سندیکا برای دولت و بخرج دولت آن را بساخت و منظور این بود که بعد از آنکه تمام شد حساب بکنند که چقدر برای دولت تمام شده است یعنی خود دولت ساخته باشد و بیکه را و میزانی برای مناقصه عمومی بدست بیاید که بخواهند تمام خط را از شمال بجنوب بمنافصه کبانی واگذار کنند میزانی در دست باشد چون میزانی نبود که معلوم بشود که هر کیلومتری یا فرسخی چقدر خرج دارد این دو قسمت خط برای شمال و جنوب بود و بعد از آن هم قریب چهارماه بعد که آن قانون گذشت و بعد از آنکه آن قانون امضاء شد و آن قانون از مجلس در ششم اردیبهشت ۱۳۰۷ گذشت در هیجدهم تیر ماه همان سال هم بموجب اجازه جدیدی کنتراهای دیگری با سندیکا گذاشتند که آن قسمت هائی را که خود دولت قبل از سندیکا شروع کرده بود بتوسط مهندسین امریکائی برای کار کرده بود تکمیل آن را هم بمهدم سندیکا واگذار کرد این دو کنتراها را با دو کنتراهای دیگر برای نقشه برداری یا با اصطلاحی که در کنتراها قرار شده بود مطالعه بندر شاه ربکی مطالعه در بندر بزرگ و همچنین برای ساختمان موقتی این دو بندر و ساختمان پل کارون برای این کارها هم کنتراهای قراردادی که میان دولت و سندیکا پیش آمد ناشی از این مواد این کنتراها شد بالخصوص ماده ۹ کنتراها در اردیبهشت چون هر چه خود ما اعضاء هیئت دولت نمایندگان ادارات دولتی مطالعه کردیم آن طوری که ما از آن می فهمیدیم تصور کردیم که اگر این بدیهی بود چیزی است که تقریباً مسلم است و هر کسی را خواهد فهمید ولی چیزی را که آنها میفهمیدند از این بود و همین اختلاف تفسیر باعث اختلاف در

عمل و منجر بعدم توافق شد ولی اصل مطلب در اینجا بود که خود اختلاف در تفسیر و اختلاف در اجراء و هر اختلاف بین دولت و سندیکا پیش بیاید در این جور کارها در خود کنتراها هم پیش بینی شده بود و گویا در ماده ۹ ما قبل آخر است ( در نظرم نیست ) که در کنتراها گفته شده است که هر گونه اختلافاتی که در تفسیر مواد کنتراها یا در اجرای کنتراها پیش بیاید طرفین باید بحکمیت رجوع کنند و ترتیب آن حکمیت هم در کنتراها منظور شده بود حالا اختلاف تفسیر در اینجا پیش آمد که دولت با سندیکا اینطور توافق کرده بود که يك برآورد تخمینی مخارج کار بدهند ما از این برآورد تخمینی اینطور میفهمیم و گمان داریم که در اول امر هم کس اینطور میفهمد که وقتی بنای خانه را به بنا و معاری میدهد میگوید که درست آن جزئیاتش را پیش بینی کن هر چه لازم است از مصالح و کار تخمین بکن و صورتش را بمن بده پنج هزار تومان یا ده هزار تومان هر چه میشود و من این را با يك جا یا بقساط بتو میدهم و وقتی که ساختی و تمام کردی و بمن تحویل دادی می نشینم حساب این را آنچه که واقعا در حقیقه خرج شده است میکنم اگر نه هزار تومان خرج شده بود هزار تومان بمن پس میدهی و اگر یازده هزار تومان خرج شده بود من حاضرم با کمال میل و البته حق شماست این هزار تومان را بشما میدهم و کنتراها هم بهمین ترتیب نوشته شده بود که يك بر آورد تخمینی که گاهلاً از طرف مهندسین خبره سندیکا در شمال و جنوب تدقیق و تحقیق شده باشد و پیش بینی شده باشد با تمام جزئیات صورتش را بمن بدهد البته ما هیچوقت ادعا نداشتیم که ما خودمان هم خیلی خوب این کارها را بلدیم و میتوانیم کاملاً مراقبت و پیش بینی کنیم یا انقدر مهندس داریم که آنها میتوانند پیش بینی کنند و بهمین ملاحظه در یکی از مواد کنتراها مخصوصاً اگر چه مثل نصیحت تلقی میشود ولی مخصوصاً نوشته شده بود که سندیکا تعهد میکند که با کمال صداقت و درستی در واقع با اوصاف و



عدالت تجربه و سررشته و استادی خودش را بکار برد و هر چه میفهمد چنانچه لازم است درکار دقت و اهتمام نماید یعنی خلاصه اش این بود که آنچه ما نگفته باشیم و نفهمیده باشیم از روی انصاف خودش طوری پیش بینی بکند که بعد چهار زحمت و اشکال نشویم البته يك برآورد تخمینی اینها درست کردند و بدولت پیشنهاد کردند و در کنترات منظور شده بود که آنچه مبلغ و میزان این برآورد تخمینی میشود که ظاهراً قریب پانزده میلیون میشود نصفش را دولت قبلاً بلا فاصله بعد از امضای قرارداد با هشت روز بعد از امضای کنترات بآنها نقداً تأدیه کند وقتی نصفش را داد آن نصف دیگر را به پنج عشر تقسیم بکند چهار عشر از آن را بتدریج و با قسط بآنها بنا بود بدهند ولی بتناسب پیشرفت کار (عین این عبارت در کنترات نوشته شده است که بتناسب پیشرفت کار ولی نوشته شده است مدتی را که سندیکا تصور میکند کار در آن مدت تمام میشود آن مدت باید معلوم شود چند ماه است آن چهار عشر پول هم بهمان تناسب تقسیم شود) و این چهار عشر اگر يك میلیون است و کار در ده ماه تمام میشود باید آن يك میلیون بده قسمت تقسیم شود و ماه بده تقسیم شود بآنها در اقساط ماهیانه و پس از آنکه این چهار عشر داده شد و کار هم تمام شد و ساخته و پرداخته شد و در حالی که بکار انداخته شده است بدولت تحویل شد و دولت تحویل گرفت بعد از آن هم یکماه بعد از آن موقع قسط اخیر که يك عشر باشد از همان برآورد تخمینی باید بآنها داده شود و پس از آنکه آن يك تسط اخیر از آن برآورد تخمینی هم دادند آتوق میآیند و می نشینند و دفتر هارا میآورند بحساب حقیقی کار رسیدگی میکنند و پس از آنکه بحساب رسیدگی شد آنچه که مخارج حقیقی و واقعی که آنها کرده اند آنچه را که داده اگر چیز زیادی طلبکار باشند بآنها رد خواهد کرد و همینطور اگر دولت زیادی داده باشد آنها بدولت رد خواهند کرد این چیزی است که از این کنترات ما میفهمیم و تفسیر میکنیم و تصور میکنیم که این تفسیر ما مقرون بحقیقت است و

قوت دارد اما آنها اینجور تفسیر نمیکنند: با که تفسیر این بود که دولت مخارجی که میشود بتدریج بآنها بده یعنی علاوه بر اینکه برآورد تخمینی اقساطش را داده در ضمن کار مبالغی کارهای اضافی آنها صورت داد (یعنی میگویند که صورت دادیم) از این کارهای اضافی بعضیها را ادعا میکنند که خود دولت حکم کرده است و امر داده است بآنها که این کار را اینجا اضافه بکنند این اگر هم واقعیت هم داشته باشد (و شاید هم نداشته باشد) منحصر بیکي دوجا بیشتر نیست یکی دو قریب هم میگویند ما تشخیص دادیم که لازم بود برای تکمیل کار پیشنهاد کردیم آنها هم اضافه شود دولت جوابی نداد سکوتش را بمعنی رضا تلقی کرده اند و يك قسمت اضافه کرده دولت سکوت کرده است و نه تصدیق کرده است اصلاً پیشنهاد کرده اند خود آنها صلاح دانسته اند کرده اند مخارج آنها را هم میخواهند و نوشته اند ما تجربه خودمان را بایستی بکار بیندازیم و طوری که راه آهن درستی بشود ما هم صلاح دانستیم که (آقا سیدی مقوب - قیم بودند) ما در عین اینکه بر این کارهای بی اجازه شان اعتراض و ایراد داشتیم معذرت بخواستیم از این اعتراض ناشی نشد برای این شاید هم ممکن بود که دولت در آخر کار باین رسید بکند ببیند اگر ضرور بوده و لازم بوده مخارج دولت هم دولت اختیار داشت قبول کند ولی آنها گفتند آن کارهای اضافی که ما کردیم پولش را بدهید ما را پولش که قریب سه میلیون لیره برآورد کرده بود حالا بدهید و اگر ندهید ما تعطیل میکنیم دولت بود و میگفت تمام اقساط را داده ایم یعنی صدی پول را که صدی پنجاهش را قبلاً و صدی چهارش را که باید با قسط بدهد همه را کاملاً داده است بجز قسمت آخری در قسمت جنوب که چنانچه عرض کردم وقتی که حساب کردیم صد يك یعنی يك در صد از پولی است که بآنها دادیم یعنی آن پولی که بآنها

دادند ولی وقتی که اختلاف پیش آمد بایستی بحکمیت رجوع بکنند نه اینکه نهدید میکردند که اگر این پول فوراً داده نشود مامعطلیات را تعطیل می کنیم و تشکیلات خودمان را منحل میکنیم و مسؤلیت این کار را بدولت تحمیل میکنیم در اواسط فروردین يك مراسله مبنی بر این نوشتند و يك صورت حساب مفصلی فرستادند که عرض کردم قریب سه میلیون و نیم بود گفتند که اگر تأییدست و هشتم ماه آوریل که الان از حفظ نمیتوانم عرض کنم چندم ماه ایرانی میشود گویا ششم یا هفتم اردی بهشت میشود یا هشتم اگر این وجوه تأدیه نشود اینکار هارا میکنیم دولت برای اینکه رشته پاره نشود حتی الامکان خواست با آنها مساعدت بکند اگر چه اساساً قبول نداشت که در اینموقع آنها حق مطالبه بگتوهان هم دارند بلکه اگر حقی دارند در آخر کار باید حساب شود معذک حاضر شد که يك وجهی علی الحساب بآنها بدهد بدون اینکه تعیین شود از چه بابت است برای اینکه آنها اگر بگویند در مضیقه اند کار راه بیفتد و در این باب ما بقدری پیش رفتیم که درجه آخر کار باینجا رسید که پیشنهاد شد که ما هفتصد و بیست هزار تومان یا ۷۲۵ هزار تومان نقد هم حاضر هستیم بآنها بدهیم علی الحساب که کار را تعطیل نکنند آنها ابتدا روی مساعدت نشان دادند که شاید بشود در این زمینه کار کردند ولی آنروز بکه مدتشان تمام شده بود یعنی در اول ماه مه (۱۱ اردی بهشت) يك مراسله فرستادند و بما گفتند ما همانجور بکه نهدید کرده بودیم اجرا کردیم و از امروز تشکیلات خودمان را منحل کردیم و عملیات خودمان را تعطیل کردیم و مأمورین ما میروند و برای شما دو هفته هم مهلت میدهیم که مأمورینی معین کنید که کار را تحویل بگیرند لهذا بنده بایشان نوشتم اساساً این تحویل را که در کنترات منظور شده غیر از این تحویلی است که شما میخواهید در ظرف مدت محدودی مجبور بکنید دولت را باینجهت ما این را تحویل قانونی صحیحی تلقی نمیکنیم و يك تبتی بر میداریم از مصالحی که

موجود است و اینکار عمل شد و طرفین مشغول ثبت برداری بودند تا این دو سه روز اخیر که تمام شده است این ثبت برداری و یکی از مخارجی که در ضمن این دوست هزار تومان میآید برای همین کارها است باید صرف این بشود که مأمورین اضافی برای ثبت برداری لازم بود در جنوب و شمال قریب ۲۵۰ کیلومتر در شمال که بابتی تحویل گرفته شود هم در صحرا و هم در انبارها که اینجا یکی یکی باید شمرده شود برای اینکار مخارج اضافی لازم بود و فعلاً موقتاً در دست دولت هست یعنی تا ترتیب دیگری برای اینکار داده شود البته لازم است دائماً مراقبت و مواظبت بشود اگر يك جاهائی خراب میشود یا صدمه وارد میشود فوراً مراقبت بشود و این برای مخارج زمان نقل و انتقال است تا يك ترتیب صحیحی داده شود این مبلغ تقاضا شده است اگر آقایان صلاح میدانند تصویب بفرمایند که مضمناً از این بابت حاصل نشود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای افسر رسیده است قرائت میشود:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم در ماده واحده بجای قسمت « جزئی » نوشته شود « قسمتی را »

وزیر طرق و شوارع - بنده قبول دارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم تبصره بر ماده واحده اضافه شود:

تبصره - وزارت طرق و شوارع مکلف است صورت

تفصیلی مخارجی که سندیکا کرده و از حدود کثرت

خارج است برای اطلاع عموم نشر نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - به آقای وزیر طرق و شوارع

که مکلف کردیم (آقا اجازه بفرمائید عرض کنم) خیلی

بنده متأسف هستم يك موضوعی را که در اول جلسه باید

بحث بشود به آقای وزیر طرق و شوارع که یکی اشخاصی هستند که ماهیسه خیلی آرزو داشتیم در کمال باشد آقای تقی زاده بحمدالله بازروی قلبی مان رسیده و این حقایق را گفتند. از وقتیکه راه آهن شروع شد در ایران یا بنامش راه آهن ایجاد کنیم بنده نمیدانم (حالا آقایان مستحضر باشند نمیدانم) ولی بنده نمیدانم دولت چه کرده است و چه خواهد کرد اجمالاً بنده دارم برای تلفون کشیدن از ساری به بندر شاه عوم چوب آمده است ستونهای آهنی گذارده است. در جنگ با آهمه چوب آمده است و ستون آهن درست کرده است ستون چدن درست کرده (همه) صبر کنید اما توجه بفرمائید غرض مسئله مخارجی است که برای ما تهیه کرده اند تمام این شاگرد هائیکه روز کرده بودند خبر می دادند که اگر برای يك میخی غنا بودند یا بيك ادنا چیزی محتاج بودند در آنجا مثلاً بنار بیج یا میخ یا فلان چیز می آوردند در آنجا میرفتند مثل حقیقتاً يك خوان بغمائی بوده است يك منبسطی بوده است که بترتیبی که آقای تقی زاده فرمود در کثرت نوشته شده رحم و انصاف و مودت و عدل و وجدان و آدمیت و این عبارتها یک مدها که مرا کرده است تمام در کثرت نوشته شده است حالا بما اطلاع دادند که چه کرده اند در جنوب و شمال سندیکا چه عملیاتی کرده اند بنده میخواستم خیلی میل داشتم که در اول جلسه که همه آقایان هم حاضر باشند (یعنی همه حاضر هستیم) همه متوجه بشوند بفرمائید آقای تقی زاده و مستحضر بشویم که سندیکا و کپانی این عبارتهای شمعش می که در کلمات هست در مشرقی که می آید سندیکا چه میشود کپانی چه میکند عبارات چه معنی پیدا میکند. در وقتیکه عبارت کثرت میخواهد امضاء بشود خیلی واضح و خیلی صریح است اما وقتی در مقام عمل میشود نه خیر آن معنی قبول نداریم نشد رجوع کنید بجامعه مال رجوع بصلح لاهه اینست مستحضر بشوید درد بیدارمانی ما

این مقام که بگذرد عقب افتاده ایم از غافل تمدن بیرون گرفتاریم. يك روز آقای تقی زاده در پشت همین بیرون فرمودند که ما راه آهن بکشیم در صورتیکه آهن خارجه بیاوریم مهندس از خارجه بیاوریم راننده راه آهن را از خارجه بیاوریم ده ده همه را از خارجه بیاوریم چه میماند برای ما زمین است و پول این که بود باید خودمان را حاضر کنیم اشخاصی تربیت کردیم که راه آهن درست بشود راه آهن باین ترتیب راه نیست حالا باعث سرشار براه آهن تمام این چیزها چشم ما دیده نشد خیلی خوب راه آهن بقول آقای الملك از اینجا که میخواهیم پائین برویم راه آهن باین ترتیب پائین حلاله ای متصل خبر دادند مطلعین ما آمدند خبر دادند مستحضر کردند که در اینجا خوان بغماست اول مملکت یک مرتبه رفته است و دیده است وزحمت فرسای متحمل شده اند و کلاء رفتند اعیان رفتند طبقات ما همه متوجه بودند می رفتند وقتی می رفتند خوشحالی میکردند وقتی بر میکشند مکدر بودند گفتیم چه خبر است دولت هم اینها را منتشر نکرد بلکه کار کم کم باینجا رسید این مسئله مخفی بود روزنامهجات ما نبود اگر یکی از روزنامهجات قوت نخرج میداد خوب يك اندازه چیزی مینوشت اما با همه چیزرانی دانستند تا الحمدالله دولت وارد شد دولت میکويد ما اینجور نوشته بودیم سندیکا می بود ما این جور نوشته بودیم و سندیکا میاید بعد از ده میلیون طلا دادن ما را دعوت میکنند بصلح بنده خاطر این که مستحضر بشویم حکومت ما يك وقتی است که بحمدالله قیام دارد بر ملت و ملت باید حاضر بشود چشمشان باز بشود که بعد از این وقتی بگویند کپانیاها شرکت بیایند دیگر بعد از این بیزاریم که شرکتها نیایند کپانیاها نیایند و بدانیم که يك ظاهر شمعش می دارند بدانیم باطنشان هم حقیقتاً بیگانه است؟ بنده ناچار شدم چون موقعش هم رسید قسم موافقت بکنم با آقای وزیر محترم که یکی از

بزرگان مشروطه خواه ما است و بهشان هم عشق دارم این بود که پیشنهاد کردم که آن قسمت از عملیات سندیکا که خارج از حدود کثرت است صورت حساب آن را منتشر بکنند تا همه بدانند نادانها قضاوت بکنند در این مسئله که دو سندیکا آمد در ایران و ما کثرت کردیم و این ترتیب آنها کردند آنوقت نروند در روزنامه های فرانسه. انگلیس. آلمان. امریکا و آنوقت بردارند از ما شکایت بکنند خوب پولها مان را خوردید کم نیست آخر هم در روزنامهجات شکایت میکنند این حکایت همان قصاب است و آن گردن بریدن گوسفند

وزیر طرق و شوارع - بنده در این باب يك چیزی عرض کنم اولاً ببخشید آن چیزی که فرمودند از رجوع بجامعه ملل و لاهه که البته بطور مثل فرمودند مورد ندارد يك همچو چیزی در کثرت منظور نشده است و بلکه ترتیب حکمت مطابق رضای طرفین اینطور منظور شده است که هر يك از طرفین يك حکمی معین میکنند و آن دو حکم يك حکم ثالثی را بطور توافق معین میکنند و اگر توافق حاصل نشد بمحکمه تمیز ایران رجوع کنند که سر حکم را معین بکنند (صحیح است) ما چون از مطلب خودمان و مدعای خودمان هیچ ترسی نداریم بحکمیت راضی بودیم و بلکه تقاضا کردیم و آنها را دعوت کردیم بحکمیت ولی چیزی که میخواهم عرض کنم اینست که آن چیزی که موضوع اختلاف و اصل لب اختلاف بود همان اختلاف تفسیر در ترتیب تأدیبه و جوه بود ما مطلب خودمان را اینجا هر دو طرفش را در جراید خارجه بیان کرده بودند که دولت ایران پول نداد و صحیح هم بود که دولت ایران پول نداد ولی آن چیز هائی که گفته نشده بود بنده اینجا عرض کردم که بچه جهت دولت از دادن امتناع کرد موضوع اختلاف این تفسیر این بوده که بنده عرض کردم و آنها موافقت نکردند و به حکمت رجوع نکردند و این راه را پیش گرفتند ولی ایرادانی که در افواه والسنه جاری است و با صحبت هائی که شنیده میشود از بی

ترتیبی ها یا اینکه بعضی کارها را درست نکرده اند بنده در این باب چیزی نمیخواهم عرض کنم و میخواهم نمیکنم که این چیزها را خویش برای موقع رسیدگی صحیحی بگذاریم برای اینکه ما میخواهیم چیزی برخلاف درستکاری و شرافت آنها گفته باشیم آنها با ما داخل یک کمتراتی شدند و یک ترتیبی قرار گذاشتند ما هم در اول امر راضی بودیم که آنها این کار را بکنند و پولهاشان را هم بدهیم و آنها هم راضی بودند در وسط کار این اختلاف پیش آمد و آنها طریقه که برای حل اختلاف منظور شده بود بطور حکمیت قبول نکرده اند و این راه را پیش گرفتند و دولت ایران این حق را داشت که مطابق ماده ۲۱ قرارداد کنترات را فسخ کند و آن ماده اجازه میدهد بدولت که کنترات را فسخ کند و جوهی را که به آنها اگر مقروض باشد و ادنی باشد ندهد مگر بن اندازه که کار کرده اند و آنچه که گرفته اند اگر زیاد تر است پس بگردد آنچه را هم اموال در خاک ایران دارند توقیف بکند و این کارها بعمل آمده است و تا وقتی که پس از انتظار رسیدن رایرهای مهندسین و رسیدگی کامل از روی دفاتر و تحقیقات مهندسین و متخصصین که خواسته ایم این چیزهایی که

در السنه و افواه جاری است مسلم و ثابت نشود خورد که ذکر می نمود .

آقای سید یعقوب - استرداد میکنم و حکمیت راه نمیدانستم تقصیری ندارم دولت بما خبر نداد .

رئیس - آقایانی که باماده واحد موافقت و سفید خواهند داد

( اخذ و شماره آراء بعمل آمده ۸۶ ورقه سفید تعداد ۸۶ )

رئیس - عده حاضر ۹۷ با اکثریت ۸۶ تصویب شد .

[ ۸ موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - از طرف جمعی از رفق پیشنهاد ختم جلسه

شده است و چون مقارن با ایام تعطیل عاشورا میباشد

اگر موافقت بفرمائید جلسه سه شنبه پس فردا

اول راجع به محصاین با اقتضای فوریتی که

کرده اند بعد لایحه متمم بودجه

( مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

استخدام مسیو امیل واهر نکامف بلژیکی شیمیست اداره کمرکات و معلم رنکرزی مؤسسه قالی ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد مسیو امیل واهر نکامف را بسمت شیمیست اداره کمرکات و برای تربیت شاگردان و کار کردن در شعبه رنکرزی مؤسسه قالی برای مدت دو سال از تاریخ تصویب این قانون استخدام نماید

ماده دوم - حد اکثر حقوق سالیانه شیمیست مزبور چهار هزار و هشتصد تومان است که از محل بودجه اداره کمرکات پرداخته خواهد شد

ماده سوم - ساعات دروس و تعلیمات متخصص مزبور را دولت معین نموده و سایر شرایط استخدام مسیو واهر نکامف عیناً مطابق کنترات سایر مستخدمین بلژیکی کمرکات خواهد بود که بموجب قانون ۲۴ خرداد ۱۳۰۴ معین گردیده است .

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه یازدهم خرداد ماه یک هزار و سیدو نه شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

دویست هزار تومان اعتبار از محل وجوه انحصار قند و شکر برای نگاهداری و اداره

کردن خطوط راه آهن

ماده واجده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ دویست هزار تومان از وجوه انحصار قند و شکر را برای تکمیل تعمیرات ضروری و نگاهداری و محافظت و اداره کردن قسمتهای خطوط آهن بین بندر شاه و بندر شاه پور که بساختمان آنها شروع شده باختیار وزارت طرق و شوارع بگذارد و مبلغ صد و پنجاه هزار تومان بابت قسط اخیر سندیکا از راه آهن جنوب را که در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۰۹ بطور علی الحساب باختیار وزارت فوائد عامه گذاشته شده بابت این دویست هزار تومان محسوب دارد و قسمتی را که به اقتضای ضرورت و فوریت از این محل به معارف فوق رسیده بابت اعتبار تصویب شده در این ماده واحد احتساب نماید .

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه یازدهم خرداد ماه یک هزار و سیدو نه بتصویب مجلس

شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

اسامی رأی دهندگان - آقایان: مرتضی خان وثوق - ظفری - فولادوند - دشتی - شهداد - ملک آرائی - حیدر میرزا دولتشاهی - حمید آخوند - افغمی - سید محمد نقی طباطبائی - طالشخان - محمد علی میرزا دولتشاهی - رحیم زاده - دکتر بنکدار - دیوان بیگی - وهاب زاده - امیر دولتشاهی - اقبال - لاریجانی - جلایی - حاج غلامحسین ملک - امین پور محسن - آقا حسین هزار جریبی - بیات ماکوئی - قراگوزلو - قاضی نوری - کیا نوری - فلاححسین میرزا محمود - ابانخان - عباس میرزا - بیات - ساکنیان - مولوی - پالیزی - اسعد - طباطبائی دیبا - نوبخت - چشیدی - اسدی - طهرانی - ارکائی - دریائی - انباز - محمدرضا - احتشامزاده - کفائی - رهبری - ملک مدنی - مقدم - مقفی - افسر - طباطبائی وکیلی - حکمت - خواجوی - دکتر لقمان - محمد ولی - مصباح اطی - شریعت زاده - حاج سید محمود - شریفی - فرشی - دکتر سنک - دهستانی - عبدالحمیدخان دیبا - روحی - میرزا باقر عراقی - امیر اراغیبی - حبیبی - قنوجی - یاسائی - فهیمی - ملک زاده - فرهنگد - دبستانی - مؤید احمدی - ناصری - زوار - امیر آقاوند اسفندیاری - زرک نیا - مجد ضیائی - دکتر طاهری